

تاریخ یا محل 17/05/2009

سیدهاشم سدید

آیا آنچه قارون صفتان مسلمان نما میخورند، حلال است؟

این مسئله از زاویه دید و منطق یک مسلمانی واقعی که معترض به سیه کاری سیه کاران بنام اسلام است، نوشته شده

روایت است که شخصی با کاسه شیر حضور پیامبر آمده و آن را به پیامبر عرضه داشت تا با آن افطار کنند. پیامبر پرسید: " این شیر را کی فرستاده است؟ " گفتند: " آن را زنی برای شما فرستاده است. " فرمودند: " برگردید و از آن زن بپرسید که این شیر را از کجا تهیه نموده است؟ " به خانه آن زن رفتند و پیام پیامبر را به زن رساندند. زن جواب داد: " از گوسفند خودم. " فرستادگان رسول برگشتند و عرض کردند که زن می گوید: " از گوسفند خودم. " بعد از شنیدن این جواب حضرت فرمودند: " نزد زن بروید و بپرسید که آن گوسفند از کجا آمده است. " فرستادگان برای دومین بار به خانه زن رفتند و سوال پیامبر را برای او بازگفتند. زن پاسخ داد: " از کار حلال و زحمت و کوشش خودم. " بعد از شنیدن این پاسخ و وقتی که پیامبر اطمینان حاصل نمود که آن شیر حاصل کار و کوشش حلال زن است، فرمود: " اکنون با این شیر افطار میکنم "، و با آن شیر افطار کردند.

فردا وقتی از پیامبر در مورد آن عمل سوال شد، گفتند: " خداوند به ما پیامبران امر فرموده است که غیر حلال نخورید. " بعضی وقت ها یک حرف یا کلام و جمله و یا یک حدیث و روایتی یک یا چند سطر چنان آشوبی را در ذهن انسان بر پا میکند و چنان پرسش های دشوار و عجیب و غریبی را بوجود میآورند که انسان بخواهد یا نخواهد، مجاز باشد یا نباشد، مجبور به تأمل و تفکر در آن مورد میشود.

گفت و گوی بالا میان پیامبر و آورنده کاسه شیر نیز از جمله همان مسایل و نکاتی است که انسان را، بویژه وقتی عملکرد برخی از مسلمانان کشور خویش را به خصوص عملکرد رهبران به اصطلاح جهادی و دار و دسته آن ها را امروز مشاهده میکنیم، به تفکر و تأمل وامیدارد که موضوع چه است؟ چگونه است که اسلام و پیامبر چنان اند و مسلمانان و پیروان آن پیامبر این چنین؟ آن جا یکی از ترس حلال و حرام یک کاسه شیر را با چنان احتیاط حاضر میشود بنوشد و این جا مدعیان اسلام به غصب تاک های انگور و درختان توت و سیب و میوه های تر و خشک، باغ ها و زمین ها، چراگاه ها و مواشی و خانه و ثروت مردم می پرانند؛ و نه حلال می بینند و نه حرام میشناسند؛ و در ظرف کمتر از چند سال از خاک بر افلاک می رسند و مالک صد ها و هزار ها جریب زمین و ده ها خانه و شرکت های ساختمانی و شرکت های هواپیمائی و فابریه ها و بانک ها و ... میشوند؟ و ده ها سوال دیگر؛ از جمله:

- واقعیت حلال و حرام از نظر دین چیست؟
- آیا امری که شامل حال پیامبر میشود و پیامبر مکلف به انجام آن است، شامل حال سایر مسلمین نیز میگردد و سایر مسلمانان نیز به انجام آن مکلف هستند؛ یا نه؟
- اگر روزی دهند یا روزی رسان خدا است و در نصیب انسان از روز ازل نوشته و معلوم و معین است که انسان چه می خورد و چه می نوشد و چه می کند و چه نمیکند و ...، چنانچه می گویند در هر دانه از گندم نام خورنده آن نوشته شده است، - یکی از نام های خداوند رازق، یعنی روزی دهنده است - و انسان در تعیین روزی و رزق خود نقشی ندارد، پس مفهوم رزق حرام و ثواب و گناه از کجا پیدا شد؟ و ...؟
- در مورد حلال و حرام، مختصر عرض شود که هر آنچه محصول کوشش، کار و زحمت خود انسان نباشد، هر آنچه از راه غیر مشروع مثل دزدی، مال مردم خوری، غصب مال دیگران، ربا، تقلب، راهزنی، غارت، رشوه، زور، حيله، استثمار و کار های از این قبیل، بدست آید، در زمره مال حرام به حساب می آید؛ و روزی حاصل از آن روزی یا رزق حرام پنداشته میشود.

برعکس هر آن چیزی که حاصل کار و کوشش خود شخص باشد بدون اینکه در آن کار حق دیگری تلف شود و زور یا خدعه و نیرنگ و فریب به کار رود و بدون اینکه حاصل رشوه و غصب و دزدی و اختلاس و ... باشد و یا جامعه و مردم از آن کار متضرر شوند، آن چیز حلال شمرده میشود.

در مورد سوال دوم، نظر دین این است که هر سخن و عمل یا راه و روش یا دستور پیامبر ملاک و برنامه عمل تمام مسلمانان است. بدون پیروی از راه و روش پیامبر از آنجائی که راه و روش و سخن و عمل پیامبر از قرآن منشأ می گیرد، اسلامیت مسلمانان کامل نیست. پیامبر تنها با عمل نه، که با قول صریح، آنجا که میگوید: " طلب الحلال واجب علی کل مسلم" تمام پیروانش را به طلب مال یا روزی حلال دعوت میکند و حتی آن را در ردیف واجبات قرار میدهد؛ به درجه بالاتر از سنت، که کردن آن ثواب دارد و نکردن آن گناه ندارد.

بنا به قولی واجب و فرض در مذهب شافعی یکی میباشد، و آن عبارت از هر کار یا هر چیزی است که توسل بدان یا ترک آن موجب عقاب گردد. در مذهب حنفی، امام ابوحنیفه میان این دو فرق قایل شده و فرض در نظر او مؤکد تر از واجب است، ولی تفاوت زیادی میان آن دو قایل نیستند؛ چنانچه در نماز هم اگر یکی از واجبات سهواً ترک شود، برای اعاده آن، مانند سهو در ترک یکی از فرایض نماز، سجده سهو باید انجام گیرد.

بنابراین، گذشته از پیروی از روش و سیره پیامبر، واجب بودن طلب مال حلال بر هر مسلمان حاوی این پیام و معنا است، که هر مسلمان باید در خصوص حلال و حرام توجه خاصی مبذول دارند و احتیاط لازم را بعمل آورند. مورد سوم، بحث روی این موضوع است که اگر مطابق آیاتی قرآن خداوند متعال همه را رزق حلال نصیب فرموده، پس معنا و بحث رزق حرام از کجا بمیان آمده است؟؟

بحث حلال و حرام یکی از ده ها بحث و موضوع مورد جدل جدی برای چندین قرن میان اشعریان و معتزلیان بوده است که بدون رسیدن به نتیجه، البته با قهر و تعصب و اعمال زور طرف زورمند، و نه از راه استدلال و منطق، با عقب نشینی معتزله فروکش نمود.

مواضع و مکتب معتزله البته در برخی از مسایل از جمله بحث های آن ها در رابطه با رزق و روزی حلال آن گونه که بحث های ایشان امروز جسته و گریخته و اینجا و آنجا واکاوی میشوند تا حدی زیادی منطبق بر استدلال و مبتنی بر واقعیت است. ناسازگاری و تناکر یا تنافر اشعریان از معتزله باوجود بعضاً دلایل روشن و قوی آن ها در برخی موارد، بخصوص با توجه به روانشناسی قدرت، و حرص و آز انسانی، شاید ریشه در فطرت انسانی اشعریان داشته است. در غیر آن آن گونه که امروز هم کسب روزی بسیاری از مسلمانان را در نظر بگیریم همان پرسش ها ما را هم مانند آنها به تأمل وخواهد داشت و ذهن ما را نیز آزار خواهند داد.

وجود رزق حرام، با توجه به این امر که خداوند همه را رزق حلال وعده نموده، تنها با قبول این امر که خداوند انسان را حق انتخاب اعطا کرده و انسان باید دارای اختیار و اراده باشد که رد و ایجاب صورت گیرد، عینیت و موضوعیت پیدا میکند. بدون باور به داشتن حق انتخاب انسان، این بحث به باریکی های می رسد که نه این مقاله کنجایش گفتن آن را دارد و نه این بحث در حال حاضر برای بعضی ها قابل هضم خواهد بود.

بحث ما در اینجا، شاید خوانندگان محترم این نوشته هم متوجه شده باشند، بر سر مآکول و مشروب از دید اسلام نیست. زیرا این بحث تا حدود زیادی برای همه روشن است و همه می دانیم که نوشیدن شراب یا خوردن گوشت حیوان مرده یا گوشت خوک و ... در اسلام حرام است.

پیامبر که از نوشیدن شیر، تاخود را مطمئن نداشت و یقین حاصل نکرد که آن شیر از زحمت و کار حلال زن فرستنده آن شیر به دست آمده، خود داری کرد برای این نبود که شیر از جمله نوشیدنی های حرام است. او می خواست بداند که آن شیر حاصل کسب حلال است و نه حاصل غصب مال یتیم یا بیوه یا ناتوان و بینوا و از پا افتاده؛ یا حاصل دزدی و چور و چپاول و تهدید و تخویف و اختطاف و دین فروشی و ...

برای این که این مبحث بیش از این به درازا نکشد، بطور اخص از رهبران و فعالین جهادی که خود را بالاتر از همه مسلمانان میدانند و بخود حق می دهند در مورد مسلمانی دیگران قضاوت کنند و هر روز یکی را به حبس محکوم می کنند و دیگری با ارتداد و ... و هر یک به میلیون ها دالر و پوند و دینار و ... از راه های که پیامبر و قرآن آن ها را حرام و غیرمشروع میخوانند اندوخته اند و هرکدام صاحب یا سهام دار ده ها شرکت ساختمانی، هواپیمایی، ترانسپورتی و بارچالانی و ... هستند، در روشنی تعالیم و احکام اسلام که آن را دین خود مینامند، میپرسیم که :

- 1- آیا شما واقعاً از آن پیامبر که میگویند پیامبر و پیشوای شماست و در مورد حلال و حرام چنان محتاط بود، پیروی کرده ائید یا پیروی میکنید؟ اگر آری، با کدام مدرکی، و اگر نه، چگونه میتوانید خود را مسلمان بدانید؟
- 2- آیا این همه اعمال شما در رابطه با خلق الله مقرون به احکام اسلام و قرین با راه و روش یا سیره و سنت پیامبر و حکم خداوند است؟ اگر نه، باز هم همان سوال بالا را تکرار میکنیم!
- 3- آیا میتوانید آن پاکی، تقوا و درستکاری و انسانیت و حقانیت را که شما همیشه بیشتر از دیگران بدان برای بر حق بودن خود و بر حق بودن باور های تان، و برای مجاب نمودن دیگران متوسل می شوید، در وجود خود سراغ بگیرید؟

4- در مورد این دارایی های که شما بدست آورده ائید - شما نمی تواند واقعیت زندگی و اندازه دارائی خود را در سی سال پیش وهم ثروت امروز تان را که از راه های مشروع بهیچ وجه امکان تراکم آن وجود ندارد - چه می گوئید؟ این دارائی ها از کجا و چگونه بدست آمده است؟ آیا این دارائی ها از نظر اسلام و از نظر خدا و پیامبر حلال هستند؟

5- اگر شما واقعاً مسلمان هستید، چطور جرأت کردید که باوجود هشدار های آشکار خدا و پیامبر به اندوختن مال حرام دست یازیدید؟ آیا شما نشنیده ائید که پیامبر میگفت: " هر کس از راه غیر حلال مالی بدست آورد، توشه اش آتش است!"

6- آیا این روزی یا رزقی را که خود و آل و اولاد تان میخورید، رزق و روزی حلال میخوانید؟ با کدام دلیل؟ زیرا در دین اسلام که شما خود را حامی و تیکه دار آن مینامید، روزی حلال و حرام مشخص شده است. روایت بالا و ده ها روایت دیگر و چندین آیه قران به طور قاطع و روشن مفهوم و معنای حلال و حرام را در اسلام تصریح و تعیین میکند.

7- شاید شما بدانید که کشتن انسان ها، جنگ، آتش زدن و تخریب شهر ها و ... تنها و تنها کار انسان های است که روح بیمار دارند؛ کار نرون ها و هیتلر ها و فرانکو ها و امثالهم. آیا فکر نمی کنید که روح بیمار شما (تخریب شهر کابل و کشتار هزاران شهروند بیگناه کابل به اشکال وحشیانه) و امثال شما اثر بد مال اندوزی از راه های نامشروع و روزی حرام است که قلب و روح شما از آن متأثر است؟ پیامبر میگفت: " روزی حرام بر دل و دماغ انسان اثر بد میگذارد و روح و قلب انسان را بیمار میسازد."

8- حدیث پیامبر است که: " عبادت هفتاد جزء است که بهترین جزء آن طلب روزی حلال است." شما باید به پیامبر و پیام های پیامبر بمثابه یک مسلمان باور داشته باشید. اگر باور دارید، چرا به این جزء اصلی عبادت توجه نمیکنید و از حرام اجتناب نمی ورزید؟ و اگر باور ندارید و حلال و حرام برای تان یکیست، چگونه دعوی مسلمانی میکنید؟ و ...

نگوئید که داد خداست! زیرا در آن صورت در کنار شیطان قرار میگیرید و سخنان شیطان را به زبان میآورید و خدا را در جرم خود شریک می سازید و از نظر اسلام، تهمتی ناروا و غیر قابل بخشش به خدا می بندید!

منبع حرام، انحراف اخلاقی و دینی و فکری است. منبع حرام و انحراف - حرام در مورد مسلمان و انحراف در مورد سیاسیون - سبک گرفتن ایمان و تعهد است. خدا میگوید: " از حلال و طیب بخورید"، و کسی که به خوردن حلال و طیب امر میکند در خوردن حرام کسی را یاری نمیکند. آن چه را شما از راه تقلب و ریا و دزدی و غصب مال مردم بدست آورده ائید، داد خدا ننماید!! داد خدا گفتن این نوع مال و دارائی و روزی، در حقیقت خدا را به بزه کاری متهم نمودن است؛ خدائی که از این نوع اتهام ها بری و منزه می باشد!!

من انتظار ندارم که به من یا به کسانی که چنین پرسشهایی را در برابر شماها قرار میدهند پاسخ ارائه کنید، زیرا پاسخ ها و قضاوت های شما هیچ وقت به خاطر ذات نیک و بد افعال و ذات حق و باطل یا ذات درست و نادرست، چه ذات نیک و بد افعال دیگران و چه ذات نیک و بد افعال و درست و نادرست و ... خود تان، نبوده، بلکه پاسخها و قضاوت های شما همواره با توجه به نفع و ضرری هستند که به خود شما و به بستگان شما متوجه میشوند.

غرض از این نوشته انتظار پاسخ نیست، بلکه غرض این است که با توجه به حق و آزادی که خداوند به انسان عنایت نموده، و با توجه به گناهان بی شمار خود که هر یک غیر قابل بخشش اند، بگذارید آن بندگان خدا را که بنام دین یا به اتهام بی احترامی به دین، و از این قبیل حرف های دور از واقعیت و تهمت های مسخره محکوم به زندان و ... شده اند، آزاد کنند! کار این ها در برابر کارنامه های شما، حتی اگر جرمی هم محسوب شود، برابر به قطره است در برابر دریا. شما باور داشته باشید که آب حرام اینها از نان حلال شما، همانطور که حافظ می گفت:

ترسم که صرفه نبرد روز بازخواست

نان حلال شیخ ز آب حرام ما

در روز بازخواست بیشتر و بهتر صرفه خواهد برد.

به جای پاسخ به ما، یا انگشت را به طرف مردم بلند کردن، لطفاً یک بار سر خود را در گریبان خویش کنید!!